

میسس کال بزرگ ترامپ!

سر شلمون

سید محمد جواد طاهری

پنج سال پیش، حدود همین ایام، یک ماهی می شد که حاج قاسممان را آمریکایی ها ترور کرده بودند و مردم آرام و قرار نداشتند. دولت ترامپ روی کار بود. ظاهراً با این کار آمریکایی ها، دولت وقت ما، برای ادامه مذاکرات بی نتیجه با آن ها، هیچ بهانه ای نمی توانست بیاورد. اما از یک غرب زده هیچ چیز بعید نبود! پس به فکر افتادیم. هنوز شلمون متولد نشده بود؛ اما دو-سه نفری بودیم با این روش که در اجتماعات با کاریکاتور حاضر می شدیم. این کاریکاتور را با این شعار در راهپیمایی ۲۲ بهمن آن سال، زیر باران، بالای دست بردیم:

مذاکره با تروریست [ت]؟!!

بزن ونه دهونه میس!

حالا دوباره ترامپ روی کار است! و دوباره همان ترکیب مسئولین با چینشی متفاوت، در دولت ما! و حرف هایی بی پرده از مذاکره با همین ترامپ برجام پاره کنی تروریست! یک بار دیگر به ما ثابت شد که دریای غرب زدگی ساحل ندارد!^۱ پس ما هم به ناچار، دوباره همان کاریکاتور را به دست می گیریم که بدانند اگر آن ها از کشیدن ناز تروریست ها ابایی ندارند؛ قلم های ما هم از کشیدن دوباره ی آن کاریکاتورها. مایی که دیگر آن دو-سه نفر نیستیم و جمعی شده ایم برای خودمان!

۱. «تو دهنش بزن با مشت!» میس در مازندران یعنی مُشت.
۲. و غرب زده با این مشکل ندارد! و گرچه برایش جز ضرر حاصل ندارد؛ هر چه غرب فرماید قابل ندارد!



ظریف در سوئیس ادعا کرد: قرار بود در ۹ اکتبر ۲۰۲۳ مذاکرات برجامی را از سر بگیریم که طوفان الاقصی در ۷ اکتبر آن را نابود کرد!

شلمون: اینکه به خاطر منافع حزبی، داری منافع ملی رو زیر پا می ذاری به کنار؛ فقط می خوام یادآوری کنم شما اصلاً تو دولت شهید رئیسی نبودی که مت الآن بری تو مجامع بین المللی خودتو نماینده ایران جا بزنی! اونم غیرقانونی!

شجره چرخ گیر

آواره‌های جنوب لبنان به خونه‌هاشون برگشتن. آواره‌های شمال غزه هم همین‌طور. اما آواره‌های فلسطین اشغالی جرئت برگشتن به شهرک‌هاشونو ندارن! همین نشون می‌ده کی پیروز میشونه. 🤔

• میلاد منتظری

آمریکا رسماً خلیج مکزیک را خلیج آمریکا نامید!
بعضی شیوخ حاشیه خلیج فارس: استاد کلاس آموزشی هم می‌ذارید؟
نتانیاهاو: کاش منم می‌تونستم اینقد راحت به غزه بگم اسرائیل! 🇮🇱

• شجره چرخ‌گیر

عراق از کشف بزرگترین میدان نفتی خبر داد. این میدان نفتی می‌تواند بیش از دو میلیارد بشکه به ذخایر نفتی عراق اضافه کند.
ترامپ: یکی به من بگه چرا ما از عراق بیرون اومدیم؟ از اونجا که خیلی بوی تروریسم میداد!

• سید محمدصادق پورمرشد

از سوابق مبارزات با جمهوری اسلامی بگو

سید علی‌رضا مهدوی زاده

- پنج سال پیش، با ضمانت رئیس بسیج محله مون وام گرفتم و به دونه قسطشتم ندادم.

- تو مدرسه، سر صف، به جای سرود ملی، تو دلم آهنگ «نمره‌ی بیست کلاسو نمی‌خوام» رو می‌خوندم.

- تو یکی از شکنجه‌گاه‌های زیرزمینی جمهوری اسلامی داشتیم به شدت شکنجه می‌شدم. با انبر داشتن ناخونامو می‌کشیدن؛ با کابل داشتن منو می‌زدن؛ که به دفعه پام از پتو زد بیرون، سردم شد و از خواب بیدار شدم.



فاطمه ندیمی



روح... طهماسبی

سید محمد حواد
طاهری

زوال امام!



اینقدر مرگ بر آمریکا گفتیم که انزوی منفیش برگشت به خودمون! اینها هوش به خاطر کارنامه!



غیر ممکنه! فیک نباشه؟! احتمالاً خبر انباری و آتش سوزی! اینا تو آمریکا حمله ناچاره! اصلاً شاید تخفیرات آب و هواست...!

حسین احمدی



سید محمد حواد





فرهنگ واژگان طبری

سؤال

سیده فاطمه حسینی

سؤال چیست؟ بله سؤال!
نه، آن سؤال که جواب
می‌خواهد نه! این سؤال
اصلاً جوابی ندارد. نه که

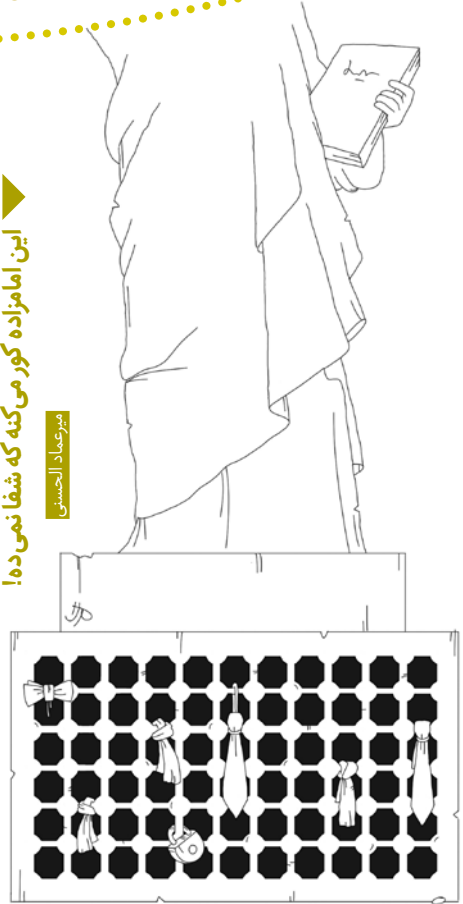
جوابی نداشته باشد؛ اصولاً از آن سؤال‌ها نیست که جلوی
جواب بنویسند! در واقع این سؤال از نوعی است که روی آن
خیلی چیزها نوشته می‌شود. گمانم سختش کردم!
بگذارید با مثالی توضیح دهم. اگر روی این سؤال نوشته‌ای
باشد، چیزی نیست مگر بخت و اقبال آدم. متوجه نشدید؟
مثالی دیگر می‌زنم. طبق ادعای یک خواننده‌ی لس‌آنجلسی،
روی سؤال فرشته‌ها هم نوشته دارد. و نوشته‌اش حاکی از آن
است که هر کسی دختر دارد جایش وسط بهشت می‌باشد.
نمی‌دانم چرا روی این سؤال نوشتند کسی که پسر دارد آیا به
جهنم می‌رود یا چه؟ الان متوجه شدید سؤال چیست یا باز
هم سؤال را توضیح بدهم؟

مثال بعدی: سؤالی که بلند باشد نشان از بخت بلند صاحب
آن است. دیگر مطمئناً متوجه شدید که در زبان مازندرانی به
"پیشانی" سؤال می‌گویند. اگر هم متوجه نشدید، متأسفانه
باید بگویم پیشانی‌تان کوتاه است و شما با این سؤال‌تان به
جایی نمی‌رسید.

ضمناً تا یادم نرفته بگویم که تلفظ اصلی این واژه سال است
و مازندرانی‌های آبی امروزه آن را سؤال ادا می‌کنند. مردم‌آزار
هم خودتانید. پایان.

این اما مزاده کور می‌کنه که شفا نمی‌ده!

میرعماد الحسنی



لذت میراث‌خواری

حمید ناکام

مادرم که من را در شکم داشت، زن عمویم هم همزمان
پسرعمویم را باردار بود. تا فهمیدند والدینم تصمیم دارند
اسم پدر بزرگ فقیدم (حسن) را رویم بگذارند؛ قیل و
قال کردند که ما می‌خواستیم پسرمان حسن بشود و الا
و پلا این اسم مال خودمان است و اصلاً از همان روز
خواستگاری‌مان پشت قباله عروس انداخته بودیم و الان
زن عموجان به هر اسم دیگری و بار دارد و عقی می‌زند! ...!
ابوی ما هم که دید ادعاها دارد به جاهای باریک
می‌کشد - با اینکه از عمویم بزرگتر بود - کوتاه آمد و اسم
من شد حمید. عمویم اینها هم به محض اینکه شناسنامه
پسرعموی من را با نام حسن گرفتند و خیالشان تخت
شد؛ دیگر او را با نام دلخواهشان صدا زدند: کامران!

زاویه دید

سید علی رضا مهدوی زاده

طرف با کمر خم تو خیابون راه می‌رفته؛ ازش پرسیدن:
چرا توی جوونی، اینطوری دولا شدی؟
گفت: سقف ایران کوتاهه؛ اینطوری شدم.
تو آمریکا رویتش کردن؛ داشت سینه خیز رو زمین راه
می‌رفت. گفتن: چرا اینجا اینطوری شدی؟
گفت: اینجا مردمش با کلاسن؛ مسابقات شنا رو آسفالت
برگزار می‌کنن. دارم گرم می‌کنم برا شرکت تو مسابقه.



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سید محمد جواد طاهری
کاری از کارگروه طنزستان طبرستان